

آینده نفت

بقلم آقای اویسی

مدیر کل وزارت فلاحات تجارت و قواید عامه

گمان نمیکنم که از حدود دستور مجله آینده چندان خارج نمیشوم هرگاه آینده يك ماده مهم حیاتی بلکه ماده المواد حیات ملی یعنی نفت را تحت مطالعه در آورده و نظریاتی چند در موضوع آن بطور اختصار در معرض مذاقه خوانندگان گرام بگذارم.

اگر در قرون سالفه بماهیت نفت پی نبرده و از فواید عظیمه آن اطلاعی نداشتند از اوائل ربع دوم قرن سزدهم هجری یعنی درست از ۶۸ سال قبل نفت بدو برای روشنائی بکار رفته و از اولین چاه که در «پان سیلوانی» برای جمع آوری آب شور و گرفتن نمک حنجر شده بود این مایع فواره زده و بمقدار زیاد بشای بیرون جستن نهاد.

در ابتدا مدتها نفت فقط برای روشنائی بکار میرفت. ولی از اوایل نیمه دوم قرن گذشته شروع کردند که آنرا در صنایع بکار اندازند و این مورد استعمال جدید نفت بقدری پیشرفت و اهمیت یافت که اکنون کمتر صنعتی است که به نفت یا منفرعات آن از بنزین و پارافین و مازوت (نفت غلیظ) و غیره محتاج نباشد.

اگر اختراع گاز و الکتریسیته نبود نفت یگانه ماده حیاتی و لازمه زندگانی نوع بشر واقع میشد و هم اکنون باوجود اختراعات مزبور نیز که مبلغی از حوائج سوخت و روشنائی دنیا را تأمین مینمایند نفت مقام مهمی را در احتیاجات صنعتی و زندگانی انسانی حائز میباشد و بقسمی استعمال آن رواج یافته که ملل متمدنه هر يك با کمال جدیت در صدد آن برآمده و هر ملت که ذخائر نفتیش کمتر است - خود را در پیشرفت صنایع و رفع حوائج ملی و مقاومت در مقابل دشمن عاجزتر یافته و با خطرات عظیمه مواجه می یزد.

قدرت دریائی بیشتر موصول بداشتن ذخایر ذغال سنگ بود،

امروز منوط بداسن فقط است . زیرا نفت بمراتب از ذغال سنک آسان تر حمل و نقل شده و قوه حرارتش نیز زیادتر است و بدینجهت بکار بردن آن بجای سوخت در کشتی وغیره بیشتر مقرون بصرفه و صلاح میباشد . مختصر بسبب يك سلسله مزایای اقتصادی و فنی امروزه میتوان گفت که نفت در واقع روح انومبیل رانی - هوا پیمائی - بحریه نظامی و تجارتی - صنایع و کارخانجات بوده و حتی در زراعتهای وسیع که بوسیله تراکتور و ماشین بعمل می آید - خالی از اهمیت نمیباشد . و بهمین علت مصرف آن دائماً در تزايد بوده و از روی احصائیه های بسیار دقیق میتوان یقین داشت که در هر دهسال يك برابر اضافه میشود .

مقدار مصرف نفت در سنوات گذشته بقرار ذیل است :

۱۲۳۹	هجری شمسی	۰۴۷۵	میلیون چلیک
۱۲۵۹	»	۲۷	»
۱۲۷۹	»	۱۶۷	»
۱۲۹۹	»	۶۹۵	»

نظر بمراتب فوق هر گاه در هر ده سال مصرف نفت يك برابر اضافه شود ممکن است حدس بزنیم که در سال ۱۳۲۰ هجری و شمسی بمیزان ۲۷۸۰ میلیون چلیک در سال بالغ خواهد شد . امروز کار نفت بجائی رسیده است که میتوان گفت هرچه استخراج میشود بمصرف میرسد و چون مصرف سال بسال زیادتر میگردد - استخراج آن نیز هر ساله روی افزونی دارد . چنانکه در مقابل ۶۹۵ میلیون چلیک نفت مستخرجه در سال ۱۲۹۹ - سال بعد - یعنی در ۱۳۰۰ - معادل ۷۶۰ میلیون چلیک استخراج و مصرف شده و از آنجمله معادل ۲۷۰ میلیون چلیک فقط در اتازونی امریکا استخراج گردیده که از نصف مستخرجات نفت دنیا نیز زیادتر است . ولی در مقابل - مصرف آن مملکت هم بسیار زیاد و خیلی بیش از مقدار مستخرجات آن میباشد . بطوریکه در همانسال ۱۳۰۰ در مقابل ۲۷۰ میلیون چلیک استخراجی ۵۵۰ میلیون چلیک مصرف داشته که نسبت بمستخرجات مذکور قریب ۸۰ میلیون چلیک زیادتر است . در مقابل این مصرف دائم التزايد ذخایر نفت بموجب تخمین متخصصین امریکائی در

سال ۱۳۰۲ بالغ بوده است بر ۵۶ میلیارد چلیک که ۷ میلیارد آن در آنزونی امریکا و ۴۹ میلیارد در سایر ممالک واقع است . این تخمین راجع بمعادن منکشفه است و البته ممکن است که منابع جدیدی کشف شود که بر مقدار ذخیره نفت در دنیا بيفت و لی بطوریکه فوقاً توضیح داده شد این تکتة نیز مسلم است که هر قدر بر مقدار استخراجات نفت افزوده شود بهمان نسبت بر مصرف آن نیز خواهد افزود . با حالت کنونی مصرف نفت مقدار ذخایر موجوده آن برای ۷۴ سال مصرف دنیا کفایت خواهد کرد . این فرض در صورتی است که منابع جدید بزودی کشف و مقدار ذخایر آنها معادل اضافه مصرف دنیا که هر سال در تزیار است بوده باشد و الا قضیه صورت دیگری بخود خواهد گرفت - یعنی هر گاه بطوریکه فوقاً ذکر شد مصرف نفت تا ۱۳۲۰ به ۲۷۸۰ میلیون چلیک برسد و از ۱۳۰۲ تا سال مزبور نیز مصرف نفت را سالی ۱۰۰۰ میلیون چلیک فرض کنیم - مقدار ذخیره نفت دنیا فقط برای ۱۴ سال کفایت نموده و در سال ۱۳۳۵ بکلی تمام خواهد شد - در صورتیکه منابع جدید کشف نشود .

قلت نفت و اهمیت موارد استعمال آن - نفت را یکی از مواد عزیزالوجود دنیا نموده و بدرجۀ مرغوب و مطلوب کرده که میتوان گفت که : مسئله نفت برای آئیه دنیا اهمیت حیاتی دارد .

نفت هنگام جنگ بزرگترین اسلحه است که هر ملت فاقد آن باشد جنگ نکرده مغلوب است و در موقع صلح نیز هر ملت که از نعمت نفت محروم باشد - در میدان اقتصادی محکوم به مغلوبیت خواهد بود . در این دوره ملت بدون نفت مثل این است که خلع سلاح شده و از حیث ترقیات صنعتی و حیاتی خود نیز نباید بهیچوجه امیدوار باشد .

در این دوره نفت روح صنعت - روح ترقی - روح جنگ - روح کامیابی است و بهمین علت میباشد که ملل متمدنه دنیا در نهایت جدیت در صدد جستجو و تصاحب منابع جدید نفت برآمده و در سرین سئاه م کشمکشها و مجادلات عظیمه دارند - که در واقع و نفس الامر موضوع اساسی آن مجادلات حیات ممالک است که بخاطر آئیه تهدید میشود .



برای اینکه تا اندازه‌ای خوانندگان گرام از درجه اهمیت این مجادلات مستحضر شوند - ذکر مراتب ذیل خالی از فایده نیست .

در ابتدا که نفت و متنوعات آن موارد استعمال زیادی نداشت و فقط برای روشنایی بکار میرفت صنعت نفت مخصوص دولت متحده (اتازونی) امریکای شمالی بود و بوسیله مؤسسه تجارתי منظم «استاندارد اوپیل گمپانی» اداره میشد . این مؤسسه در سال ۱۲۴۹ هجری شمسی بصورت یک شرکت سهامی کوچکی شروع بعملیات نموده و بدو سرمایه آن از یک میلیون دلار تجاوز نمیگرد و مقدار نفتی که روزانه میتوانست تصفیه نماید - از ۶۰۰ چلیک زیاد تر نبود - ولی متدرجاً مؤسسه مزبور توسعه یافته و توانست سرمایه خود را بیک میلیارد دلار برساند و مقدار نفتی که تصفیه و یا حمل مینمود و بفروس میرسانید بروزی ۲۰۰ میلیون چلیک رسید تشکیلات خود را بتمام نقط مهمه عالم توسعه داد و چیزی نگذشت که بریگانه رقیب خود که روسیه بود فائق آمده و در نهایت در حدود سال ۱۲۸۰ در تمام بازارهای جهان با کمال سهولت تسلط یافت . در این اوان متدرجاً موارد استعمال نفت و مفرعات آن زیادتر میشد و توجه دنیا بیش از پیش بسوی این دایه گرانها جلب گردید و از همه طرف در صدد تجسس آن برآمدند و ممالکی که فاقد آن بودند بر آن شدند که در خارجه تحصیل نفت را برای خود بمقدار کافی تأمین نمایند . در این موقع است که دوره اول نفت که « دوره آرامش » اش میتوان نام نهاد پایان رسید و « دوره رقابت » بدو و سپس « دوره کشمکش و جدال آشکارا » در سر نفت شروع میشود بر احدی پوشیده نیست که عامل عمده پیشرفت و تفوق دریائی انگلستان قوای بحری و صادرات آنست - ولی این نکته نیز باید نصب العین باشد که اگر آن مملکت دارای ثروت هنگفت ذغال سنگ نبود - این تفوق دریائی آن دیرزمانی باقی نمیماند و بدیهی است بمحضنی که شروع نمودند نفت را بجای ذغال در کشتیها بسوزانند - این پایه و اساس دیرینه پیشرفت متزلزل شده وانگلستان را بخیال انداخت . زیرا مملکت انگلستان

بکلی فاقد نفت بود و رقیب آن امریکا به تنهایی ۷۵ درصد نفت عالم را میداد و طبیعی آن بود که این مملکت نطف بحریه دنیا را تهیه نماید و هر وقت بخواهد تفوق دریائی را از انگلستان بگیرد . این وضع و نتایج وخیم آن مخصوصاً بجهت بحریه انگلستان رجال آن مملکت بر آن داشت که در صدد چاره جوئی برآمده و بدو در پرده و سپس علناً بکاری که یگانه علاج بود دست زنند - یعنی باکمک و مساعدت جدی دولت خود شروع کردند منابع نفت دنیا را در تحت تصرف و نظارت خویش در آورند این مقصود بوسیله شرکت انگلیس وهلمدی « روابال دوچ شل » پیشرفتی بسزا حاصل نمودند . شرکت مزبور که بدو عبارت ازدو شرکت کوچک هلندی وانگلیسی بود - چون برای يك مقصود تشکیل یافته و در مقابل رقیب معظمی مانند « ستاندار واول کمپانی » امریکائی داشتند لزوماً بهم نزدیک شده بانمقاد قراردادی بازارهای فروش نفت را فیما بین خود تقسیم نمودند - ولی چیزی نگذشت که این رفاقت مبدل شد بیک اتحاد تدافعی و تهرضی بر ضد کمپانی فوق الذکر امریکائی و بالاخره در سال ۱۲۸۶ شمسی هجری بکلی باهم متفق شده با حفظ تشکیلات خویش در صحنه مبارزات نفتی دنیا مانند هیئت واحدی یک نوع مقاصد و یک نقشه را تعقیب نمودند - و بدین منوال بیش از یکسال ونیم از عقد قرارداد اتفاق نگذشته بود که دو کمپانی « روابال دوچ » و « شل » در مقابل سرمایه های جزئی اولیه چنان مقتدر و عظیم گردیدند که بر ۲۲ میلیارد سرمایه نظارت یافته و ظرفیت جہازات نقلیه نفتی آنها به ۱'۴۰۰'۰۰۰ تن رسیده و بجای ۲۵ هزار تن محصول اولیه بیش از ۱۵ میلیون تن نفت تولید و تصفیه نموده و برای فروش بازار های جهان نقل میکرد . بمباره آخری قسمت مهم اراضی نفت خیز دنیا را در آسیا و اروپا و حتی در امریکا در تحت تصرف و نظارت خود در آورده و بخود منحصر نموده بود . دولت آلمان نیز که عملیات این دو حریف پر زور اروپائی و امریکائی را میدید و نظر بمقاصدی که داشت چون خود را محتاج بیک بحریه بزرگی محتاج می دانست - در این صحنه مبارزه بیکار نمانده - بوسیله تشکیل شرکت و دخالت مؤسسات صرافیه خود در صدد بدست آوردن

امتیازات و خرید سهام شرکتهای نفتی برآمده و آنها هم قسمتی از این غنیمت بدست آورد.

این همه رقابت ها و اقدامات در موضوع نفت یقین است که برای مقصود تجارتنی و تهیه بازار نبوده - بلکه هر دولت و مملکتی در صدد است که هر چه بیشتر اراضی نفت خیز برای خود تهیه نماید - تا علاوه بر منافع هنگفتی که صنعت و تجارت نفت دارد - بتواند در مواقع جنگ و یا رقابت های اقتصادی مقاومت کرده و در هنگام صلح و آرامش نیز در بسط صنایع و توسعه وسایل نقلیه بحری و بری از دیگران عقب نمانده و برای سوخت محتاج بخارج نشود.

در هنگام جنگ کار نفت و متبرعات آن بجائی رسید و بقدری طرف احتیاج متخصصین گردید که متفقین خود را قویاً محتاج بمساعدت نفتی امریکا دیده و بهر نحو ممکن بود اندولت را با خود در این قسمت موافق نمودند و بقدری باین مسئله اهمیت میدادند که لرد کورزن درنطق خود رسماً اظهار نموده است که « بدون اغراق میتوان تصدیق کرد که امواج نفت متفقین را بفتح و فبروزی هدایت کرد » و آلمانها وقتی که به رومانی حمله کرده و آن ممالک را گرفتند قصدی نداشتند جز تحصیل نان و نفت.

بعد از جنگ اهمیت نفت خیلی بیش از پیش گردید. مطابق احصائیه در سال ۱۲۹۹ معادل ۹ میلیون و نیم اتوموبیل و تراکتور تنها در امریکا بکار برده و علاوه بحریه آن مملکت معادل ۳۰ میلیون چلیک سوخت مایع مصرف کرده و سال بعد از آن مصرف آن بحریه به ۴۰ میلیون چلیک رسیده - وبطور اجمال مصرف نفتی امریکا جمعاً به ۴۰۵ میلیون چلیک بالغ گردیده و مملکت انازونی که سابقاً قسمت عمده نفت دنیا را میداد - بواسطه ازدیاد مصرف مجبور گردید که ۱۲۰ میلیون چلیک کسر عمل مصرف خود را از مکزیک وارد نماید - این افزایش عمده مصرف نفت مخصوصاً بعد از جنگ امریکا را سخت بخيال انداخته و جدا وادار نمود که در صدد تأمین ذخایر و منابع جدید نفتی بر آید. بالاخص که بیم آن دارد که مخازن زیر زمینی نفت آن مملکت بزودی تحلیل رفته و بمصرف

برسد . زیرا بطوری که متخصصین امریکائی پیش بینی کرده‌اند اگر مصرف انرژی به ۲۵۰ میلیون چلیک متوقف بماند - ذخیره نفتی آن مملکت در ظرف ۱۸ سال تمام خواهد شد - در صورتیکه بر حسب اظهار آن متخصصین مصرف نفت سایر ممالک دنیا که جمعاً سالیانه از ۲۰۰ میلیون چلیک تجاوزنمینماید - هر گاه نسبت بمخازن زیر زمینی دنیا حساب شود تا ۲۵۰ سال دوام خواهد یافت .

نظر به مراتب فوق و مخصوصاً بعد از جنگ که عملیات کمپانیهای نفتی انگلیس در تصاحب منابع نفت دنیا کشف شد - ارباب حل و عقد و رجال اقتصادی امریکا را بخيال انداخته مقاله ها نوشتند و تحقیقات کردند تا دولت و کنگره امریکا را جدا متوجه این مقصود ساختند و یگانه رقیب خود و محترک نفت دنیا را انگلیس دانسته و ضمناً با کمال قوت این فکر را اظهار مینمودند که برای امنیت جهان لازم است که توزیع نفت دنیا بوسیله انعقاد يك قرارداد بین المللی در تحت نظم در آید و بدون این اقدام و اگر بنا باشد که دولت انگلیس نفت و سایر مواد خام دنیا را در تحت نظارت خود در آورد - جامعه ملل مخصوصاً از نظر آزادی صنایع يك شوخی و بازیچه بیش نخواهد بود - از آن بعد دیگر مساعی امریکادر پیدا کردن بازار برای فروش نفت میذول نگردیده - بلکه بر عکس در تحصیل امتیازات و تصرف نواحی نفت خیز مصروف میشود . دولت امریکا که تا آنوقت از عملیات دولت انگلیس در تصرف اراضی نفت خیز غفلت داشت - چون بواسطه احتیاج مبرم مملکت به نفت و متفرعات آن در صدد تحقیقات برآمد و فهمید که اغلب نواحی نفت خیز دنیا در تحت تصرف و نظارت انگلستان درآمده - قویاً در صدد ترمیم این وضع ناگوار برای بحریه و صنایع و بطور کلی حیات اقتصادی ملت خود بر آمده و از ۱۲۹۸ کمپانی بزرگ امریکائی « ستاندارداویل » جداً بخيال تحصیل امتیازات نفتی در خارجه افتاد . اقدامات و تشبیهات این کمپانی معظم و دولت امریکا و رقیب قوی و پیشقدم آنها یعنی کمپانی انگلیس و هلندی و دولت انگلستان را در این موضوع - چون مبحث مفصل و مهمی است در سیاست نفت در دنیا - بمقاله دیگر موکول نموده و جداگانه شرح خواهیم داد . (بقیه دارد)



والا حضرت شاه پور محمد رضا ولیعهد ایران